

وسيله نجات (۴)

اراستاد علامه : مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس چهاردهی

درد نیای پهناری که بوجود آورده خوشی ولدانند بی شمار آفرید که نیک و بدو زشت و زیبا بسیار دارد و برای امتحان و سنجش نفس بندگان صفات و مزایای نیکی هارا شمرده و از بدیها و زشتیها و پلیدیها مخلوقش را با دلیل و برهان قاطع بر حذر داشته برای مخلوق نیکو کار و نیک نفس اجر و برای بندگان سرکش و طغی قصاص و جزاء شمرده و فهم و درک و شعور انسانی را راهنمایی کرده تا از زشتیها پرهیز کنند و نیکی گردند .

میگویند ذات خالق که همه قدرت از اوست علت و سبب چیست که از عدم بوجود می آورد و خلقت میکند تا عقابش نماید .

با وجود اینکه اصل سرمایه از اوست ؟ جواب خیلی سهل است خداوند عقل و کمال و شعور را به بندگانش ارزانی داشته رزق و روزی میدهد ثروت و مکننت عنایت میفرماید قدرت و نفوذ میبخشد و تمام نعمتهای بی شمارش را در اختیار مخلوقش میگذارد و امر میکند که از قدرت و نفوذ ظلم بر مظلوم نکن از ثروت و غنا بر بیچارگان و درماندگان دستگیری کن دست نوازش بر نیازمندان و یتیمان را فراموش نکن .

در قبال این همه نعمت و وظیفه بشر فرمائید از حکم خداست از امر و نهی خالق است .

مسلم است اگر این ثروت در پای میز قمار در کشتن مظلوم در پایمال کردن حق در پدید آوردن فساد و زشتی بر باد رود باعث غضب الهی است که بی عقاب و جزا نخواهد ماند دیر یازود محکوم بقصاص و غضب پروردگار خواهد شد خدا فرستاد وحی بسوی موسی ابن عمران یا موسی بدرستی که منم خدا و نیست خدائی غیر از من و خلق نموده ام بندگانم را و آفریده ام خیر را تا اعمال نیک انجام دهند بندگان من و اراده میکنم بر اجرایش بدست مخلوقم .

میگویند پس شر از کیست که بر بندگان میرسد آن بارانیکه خانه پیره زنی را بر سرش خراب میکند یا حاصل طفل یتیمی را سیل میبرد دلیلش چیست ؟

این دلیل بر این نیست که از رحم خدا محرومیم خدا عادل است و بینا بر تمام ماجراها مثال عامیانه ایست که گویند خدا با شری برانگیز تاخیر مادر او باشد ؛

این مثال بیجهت نیست دلیل و علت دارد که بعد از واقعه بر ما معلوم میگردد در حال حاضر و بی خبری رنج میبریم و یاس حرمان را پیشه میکنیم ولی خداوند می فرماید بندگانی را دوست میدارم که در مواقع نزول بلا صبور باشند و تحمل بیشه کنند عاصی نشوند و کفران نعمتها را نکنند .

خیر و صلاح بندگانم در آنست که واقعه میشود اگر اراده کنم بر امری واقع خواهد شد هیچ قدرت و اراده ای وجود ندارد که بر اراده ام غلبه کند و برخواسته هایم سد بیند ایجاد میکنم آنچه را مقرر کرده ام قضا و قدر عبارتست از تدبیر خدا و آن تدبیر اعتبار دارد قطع و فصل حکمتی است از خواسته های خدا .

خدا اگر ز حکمت بندد دردی ز رحمت گشاید در دیگری

حکمت را تقدیر خدا میگویند . روزی مردی از حضرت امیرالمومنین (ص) سؤال کرد یا علی تقدیر چیست ؟ حضرت فرمود دریائی است در آن داخل نشو دفعه دوم سؤال کرد حضرت فرمود طریقی است تاریخ در آن راه مرو .

بار سوم سؤالش را تکرار کرد فرمودند سرحدی است نامحدود و سری از سر خدا است که با مرش در حجاب پیچیده از خلق خدا مخفی است و منع فرموده بندگان را بدانستن او قضا و قدرت خداست و عقی او بین زمین و آسمان و عرض او بین مشرق و مغرب است سیاهی او مثل شب تیره و ظلمانی است سزاوار نیست که مطلع شود بر او احدی مگر بخواست خدا و بر اراده خدا، بر حقیقتی مطلع شود که در قدرت او در کف تسلط است .

و این سعادت بر همه کس روی نمیدهد که از قضا و قدرت خدا از تقدیر و رقمش مطلع گردد .

اغلب دیده شده کسانی که ادعا دارند از رقم تقدیر بزرگ حساب جبر مطلع میشوند ادعایشان باطل شده و آنچه گفته شده پیش بینی شده صحیح نبوده پس کسی را یاری این نیست که بر تقدیر و مقدر که همان اندازه و سهمی است که خداوند بر بندگانش عطا میفرماید شك کند عده ای از بندگان خدا که طعمی بس زیاد و ولع و عطش تمام نشدنی دارند میخواهند که خداوند همه نعمتها را برایش بگشاید ولی این بنده که طمع زیاد دارد هرگز از خود سؤال نمیکند که بر امر خدا متکی است و از نهی ذات پاکش پیروی میکنند؟ اغلب بندگان میگویند از کرمش از دریای نعمتش چیزی کسر نخواهد شد اگر خواهشهای ما را بر آورد خدا حاکم است و خدا قادر چرا به آنچه که ما محتاجیم وقتی نمیگذارد و آنچه را که طلب میکنیم بما نمیدهد .

این خدای کریم این خدای سخی این خدائی که بر کرسیها و سماوات و بر عرش حکومت میکنند ناوینا و شنواست چرا بخواسته های ما وقتی نمیگذارد ؟
مطلب واضحی است خدا از روز اول آفرینش سهمی تقدیری بر بندگانش مقرر فرمود دیر یا زود این سهم و این روزی تقسیم خواهد شد و هر يك بفر خود از دریای ←

محمد (ص)

ماه کند آرزوی روی محمد (ص)	رشک برد بر رخ نکوی محمد (ص)
کرد منور سرای کون و مکان را	روشنی آفتاب روی محمد (ص)
نیست مهی در فلک بنور جمالش	نیست گلی در چمن بیوی محمد (ص)
سلسله کاینات و رشته هستی	بسته سراسر بتار موی محمد (ص)
ره نبرد سوی شاهراه حقیقت	تا نبرد ره کسی بسوی محمد (ص)
هیچ دلی خالی از محبت او نیست	پراشده عالم ز گفتگوی محمد (ص)
زنده شود از نسیم صبح وصالش	هر که بپیرد در آرزوی محمد (ص)
خوی محمد (ص) شعار ساز که خوئی	نیست پسندیده تر ز خوی محمد (ص)
صبح قیامت که سر ز خاک بر آرد	دل رود اول بجستهجوی محمد (ص)
خوشه نجینی (رسا) ز خرمن فیضش	تا تنهی سر بخاک کوی محمد (ص)

← کرمش بر خودار خواهند بود نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انسان دومیل در وجودش حکومت میکند یکی میل بشر و فساد و تباهی است و
آند دیگری میل بخیر و صلاح است انسانی که از این دو خلق دومیل قوی برخوردار است
چرا همیشه بخیر و صلاح نیروود و بشر و فساد مایلتر است ؟
خداوند برای تشخیص این دو حس رئیسی و وحیی فرستاد تا بفهماند بیند گانش آنچه
خداوند بشما ارزانی میدارد خیر و صلاح است .
اگر شر و بلا باشد اجری دارد که مظلوم قرار گرفته اید و اگر بنده نیکو کاری هستید
باز هم اجر در یافت خواهید کرد و اگر از او امر خدا سر پیچی کنید جزا دارد که غفلت از آن
شمارا از مغضوبین در گاه احدیت بشمار خواهد آورد .
خدا میفرماید ای کسانی که آنچه بر خود و فرزندان خود نمی پسندید بر دیگران هم
نمی پسندید از بندگان خاصه من هستید زیرا کسانی که تنها طالب جلب منافع خود هستند
و حق دیگران را پایمال می کنند قسم بوحده انیتم قادرم که او را در آتش خشم و
غضب خود بسوزانم .